

بسم الله الرحمن الرحيم

علت فاجعه لیبیا؛ درگیری‌های داخلی یا مداخلات بیگانه‌گان؟

(ترجمه)



غسان سلامت فرستاده سازمان ملل در لیبیا در مصاحبه‌اش با روزنامه «الشرق الاوسط» در ۱۴ اکتوبر ۲۰۱۸م گفت: «هریک از طرف‌های درگیر در لیبیا وابسته به یک دولت خارجی بوده که ما از این موضوع به خوبی آگاه هستیم. شورای امنیت هنوز روی کار است، چنانچه گزارش نیم سالانه شورا به مداخلات دولت‌های خارجی در لیبیا اشاره داشته و به آن ابراز نارضایتی و خواستار احترام به تحریم تسلیحاتی یا مشارکت نظامی در لیبیا می‌باشد.» این در حالی است که همان دولت‌های خارجی مداخله کننده در لیبیا، اعضای دائمی شورای امنیت می‌باشند. غسان سلامت در ادامه می‌گوید: «رقابت شدید ایتالیا و فرانسه به زمان‌های گذشته بر می‌گردد؛ اما اکنون به همان شدت نیست.»

ایتالیا با حمایت از امریکا در لیبیا تحرکاتی را انجام می‌دهد، چنانچه «مارکومیتی» وزیر داخله ایتالیا در آغاز ماه دوم سال جاری در جریان سفر رسمی‌اش به واشنگتن با مقامات امریکائی دیدار نمود که در نتیجه این دیدار واشنگتن آمادگی خود را با سپردن لیبیا به ایتالیا به هدف تأمین ثبات در آن‌جا اعلان نمود. سایت خبری «دروازه‌های لیبیا» در ۴ فبروری ۲۰۱۸م به نقل از روزنامه «لاستامبای» ایتالیا چنین گزارش را به نشر رساند: «این امکان وجود دارد که امریکا تحرکات تنظیم داعش را

در لیبیا به دقت دنبال کرده و معلومات کافی را که در اختیار دارد، با ایتالیا به اشتراک گذاشته و بگونه مشترک از آن‌ها کار گیرد.»

ایتالیا یک دولت استعماری بوده که سال‌های گذشته لیبیا را تحت استعمار خود قرار داده بود و حال می‌خواهد یک بار دیگر این سرزمین را تحت استعمار خود در آورد. روی این ملحوظ امریکا می‌خواهد در مقابل مستعمرین فرانسوی از ایتالیا حمایت کند؛ زیرا هدف امریکا این است که استعمارگران اروپائی را به جان هم انداخته و در نتیجه تنها صاحب نفوذ لیبیا خودش باشد و در عوض اروپائی‌ها به تنهای دارائی‌های لیبیا را غارت نمایند. سایت خبری "اللیبی" از صالح فحیمه عضو پارلمان لیبیا چنین نقل می‌نماید: «ایتالیا در مورد چگونه خوردن قسمت بزرگ کیک لیبیا فکر می‌کند؛ چون این سرزمین از جمله مستعمره‌های سابق آن می‌باشد. خام طمع‌گی‌های ایتالیا، علاوه بر مردم لیبیا برای جهانیان هم پوشیده نیست؛ اما لک‌بخشی‌های امریکا به مثابه "بخشیدن مال غیر به غیر مستحق آن" می‌باشد. بلی، این یک تعبیر سنجیده است؛ اما در واقع این طرف‌های درگیر داخلی می‌باشند که در غلامی باداری قرار دارند که به هدف صاحب شدن بر لیبیا مال از جیب دیگران می‌بخشد.

فرستاده سازمان ملل به لیبیا به صراحت تمام اعلان نمود که قضیه لیبیا در گرو دخالت دولت‌های خارجی می‌باشد و این‌که طرف‌های داخلی قضیه به بیگانه‌گان وابستگی دارند، به این معنی که تنها علت بحران لیبیا دخالت‌های بیگانه‌گان و وابستگی طرف‌های داخلی می‌باشد.

روزنامه "دسان" بریتانیائی در ۹ اکتوبر ۲۰۱۸م از یک مقام بلند پایه بریتانیائی چنین نقل نمود: «استخبارات بریتانیا به نخست‌وزیر تریزومی گزارشی را تقدیم نمود که پوتین می‌خواهد لیبیا را به سوری‌های جدید تبدیل نموده و نیروی نظامی‌اش را برای تأثیرگذاری بر غرب در آن جا مستقر نماید. این که ده‌ها مأمور تعلیم‌یافته استخبارات نظامی روسیه و همان طور ده‌ها مأمور کلیدی نیروهای سیستاز که بخشی از نیروهای ویژه وابسته به اردوی روسیه می‌باشند، همین اکنون در شرق لیبیا حضور دارند که در حال آموزش می‌باشند و در آن جا دو پایگاه نظام روسی است که در شهرهای "بنغازی" و "طبرق" زیر پوشش شرکت نظامی روسی بنام "واگنر" فعالیت می‌کنند و شواهد عینی نیز این واقعیت را تأکید می‌کنند.» سپس در همان روز آژانس خبری "اسپوتنیک" روسی از زبان مسئول کمیته توسعه روابط خارجی روسیه در پارلمان این کشور در واکنش به گزارش روزنامه "دسان" بریتانیا را چنین متهم کرد: «بریتانیا قصد دارد حضور روسیه را در لیبیا مورد هدف قرار دهد. بریتانیا کمپاین اتهامات هماهنگ شده‌ای را علیه نیروهای نظامی روسی راه‌اندازی نموده است؛ البته آنگلو-ساکسون(انگلیسی‌ها و امریکای‌ها و سیاسیون‌شان) نمی‌توانند این واقعیت را بپذیرند که ما قادر به آرایش هوشمندانه نیروی نظامی بوده و می‌توانیم که با تمام بازیگران سیاسی هم‌زمان تعامل همه‌جانبه دیپلماتیک داشته باشیم.»

بریتانیا نقش روسیه را کشف نموده و می‌داند که امریکا برای جلوگیری از نفوذ اروپائی‌ها در لیبیا خواستار وارد شدن روسیه در این بازی می‌باشد؛ حال آن‌که در حال حاضر در خاورمیانه لجام روسیه در دست امریکا می‌باشد. از این رو روسیه نمی‌تواند در سرزمین‌های خاورمیانه بدون اجازه و راهنمائی‌های امریکا مداخله نماید، زیرا واقعیت طوری به نظر می‌رسد که گویا روس‌ها طرف قضیه‌ای می‌باشند که به توافقنامه "وین" که در سال ۱۹۶۱ م بین "خرشچف" رئیس جمهور سابق روسیه و همتای امریکائی آن "کیندی" مبنی بر این‌که خاورمیانه منطقهٔ مربوط امریکا بوده، منعقد گردید که در این امر متعهد بوده و بدون اجازهٔ امریکا در امور آن مداخله نمی‌کنند؛ بلکه در برابر نفوذ اروپا به حمایت امریکا می‌پردازد. همان‌گونه که نمونهٔ آن را در سوریه مشاهده می‌نماییم، طوری‌که بعد از چند سال از وقوع انقلاب سوریه علیه نظام سوریه گذشت، روسیه به اجازه و دستور امریکا به سوریه مداخله نمود و بعد از این‌که پوتین رئیس جمهور روسیه با اوباما رئیس جمهور سابق امریکا در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۵ م در نیویارک ملاقات کرد و اوضاع سوریه را موضوع مورد بحث قرار دادند، پوتین بعد از بازگشت از نیویارک در نشست دوما موافقهٔ مداخله را در سوریه دریافت و در روز بعدی آن اعلان کرد که به یاری نظام سوریه خواهم پرداخت. از این رو تا اکنون هماهنگی‌های روسیه و امریکا هم‌چنان ادامه دارد.

بنابر این، امریکا بلقاسم حفر، مزدور را مأمور ساخت تا روابطش را با روس برقرار نماید و در مقابل وعده داد که برای به دست آوردن مناطق بیشتری به وی کمک خواهد کرد، به ویژه بنغازی و شهرهایی که ممکن بود در ماه جون ۲۰۱۷ م تحت کنترل وی قرار گرفته و به همین ترتیب در ازای تأمین نفوذ امریکا در لیبیا، تسلط بر طرابلس و بدست گرفتن حکومت، قدرت و رئیس جمهوری لیبیا را برای وی وعده داد؛ اما با آن‌که حفر به امریکا وابسته بوده، برای دستیابی به اهداف شخصی خود نیز از روسیه کمک می‌خواهد.

این واقعیت لیبیا است که استعمارگران اروپائی و استعمارگران امریکائی در آن مداخله می‌کنند و هم‌چنین استعمارگران روسی-که برای جلوگیری از نفوذ اروپائی‌ها در لیبیا دارند- نقش خود را ایفاء می‌نمایند. امریکا از جاه‌طلبی‌های ایتالیائی‌ها و نیاز شدید آن‌ها به ثروت لیبیا؛ مانند: نفت، گاز و پرورشگاه‌های ماهی به خوبی آگاه می‌باشد. هم‌چنان فرانسه، انگلیس و ایتالیا برای حمایت از اقتصاد فروپاشیدهٔ‌شان به دارائی‌های لیبیا نیاز مبرم دارند؛ اما امریکا می‌خواهد تنها بر قلهٔ این دارائی‌ها نشسته و بزرگ‌ترین سهم را داشته باشد.

فاجعه این است که کشورهای استعماری؛ مانند سگان گرسنه بر ما حمله ور شده‌اند و هنوز هم حکام سرزمین‌های اسلامی دست از غلامی آن‌ها بر نمی‌دارند. پس اگر حکام امت اسلامی دست از محافظت مزدوران وفادار کفار بردارند، این دولت‌های استعماری هرچند که قدرت مند هم باشند، هیچ چیزی را نخواهند بدست آورد. این حکام سرزمین‌های اسلامی تمام هم و غم‌شان به دست آوردن منافع شخصی‌شان است که هیچ باکی از مزدوری و وابستگی به کفار ندارند، مانند منافقان و

دروغ‌گویان زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم و این در حالی می‌باشد که الله سبحانه و تعالی آیات بسیاری را برای حرام قراردادن و پیروی از کفار نازل نموده و بر آن هشدار داده است.

راه‌حل نجات امت اسلامی از انتانی‌ها و ویروس‌های این حکام مزدور، حمایت از فعالیت‌های سخت‌کوشانه و صادقانه مخلصینی می‌باشد که افکار ناب اسلامی، بخصوص افکار مربوط به حکومت داری و سیاست را در میان امت عام نموده و علیه افکار سیکولری، دموکراسی و آزادی قدعلم نموده اند و به افشاءسازی توطئه‌های استعمارگران و مزدوران آنها می‌پردازند؛ مخلصینی که از ارتباط حکام با کفار پرده برداشته و در سرنگونی آنها برای رهبری این امت و تأسیس دولت خلافت برمنهج نبوت با تمام عزم، اراده و ثبات کمر بسته اند؛ دولتی که بزرگترین استعمارگران و جاه‌طلبان را به زانو درآورده و از مداخله آنها در سرزمین‌های اسلامی جلوگیری نموده و برای محافظت از دارائی‌ها و سرقت سرزمین‌های اسلامی دست این استعمارگران را قطع می‌نماید.

برگرفته از جریده الریه

نویسنده: اسعد منصور

۷ صفر ۱۴۴۰ هـ.ق

۳۱ اکتوبر ۲۰۱۸ م